

## اجازات شیخ اعظم مرتضی انصاری

اموالله شجاعی<sup>۱</sup>

### مقدمه

صدور اجازات اجتهادیه و رواییه و حسبیه و ذکریه جزء شؤونات علمای سلف محسوب می‌گردیده است و بخش مهمی از امورات مردم از طریق همین اجازات به انجام می‌رسیده است و علمانیز به اغراض گوناگون خود را مقید به کسب اجازه و اعطاء اجازه می‌دیدند.

یکی از بزرگترین علمای شیعه در قرن سیزدهم هجری که صاحب و مؤسس مکتب اصولی و فقهی بوده است، حضرت آیت الله العظمی شیخ اعظم شیخ مرتضی انصاری دزفولی (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق) می‌باشد وی پایه گذار مکتبی گردید که هنوز مورد توجه علمای بزرگ قرار دارد و بیشترین تأثیر فقهی و اصولی را در بعد از خود به جای گذاشته است.<sup>۲</sup>

این نکته که شیخ اعظم چون سایر علمای بزرگ شیعه خود دارای اجازات بسیاری بوده باشد و اجازات بسیاری را برای دیگران صادر کرده باشد، مطلب خاص و جدیدی نیست اما از آنجا معروف گردیده که شیخ اجازه اجتهادیه به کسی نداده است، برآن شدیم با بررسی اجازات وی، به این مهم هم پیردازیم.

دو تن از شاگردان شیخ اعظم ادعای کرده‌اند که شیخ به کسی اجازه اجتهاد نداده است:

۱- مرحوم میرزا محمد تنکابنی در کتاب «قصص العلماء» درباره استادش شیخ مرتضی

۱. محقق مجتمع الفکر الاسلامی.

۲. رجوع شود به زندگانی و شخصیت شیخ انصاری که مفصل‌ترین نوشتار درباره شیخ اعظم می‌باشد.

- ۱- انصاری می‌نویسد: «... هرگز متصدی مرافعات غنی شد و به کسی اجازه اجتهد نداد».<sup>۱</sup>
- ۲- شاگرد دیگرش مرحوم سید اسماعیل تکابنی در کتاب «نصرة الناظرين و نزهۃ الباصرین» در ذیل ترجمه استادش می‌نویسد: «قَلَّمَا ارْتَكَبَ الْإِجْازَةَ، لَمْ يَجُزْ أَحَدًا، قِيلَ أَنَّهُ قَالَ: أَنِّي عَلَى ظَنِّ أُوشِكٍ مِّنْ نَفْسِي فَكَيْفَ مِنْكُمْ». <sup>۲</sup>

و یکی از نوادگان شیخ نقل می‌کند که: شخصی رفته بود خدمت شیخ انصاری تا تصدیق اجتهد از ایشان بگیرد. شیخ تصدیق نداده بود. آن فرد گفته بود: آقای تصدیق غنی‌دهی نده، اما علت اینکه تصدیق اجتهد به کسی غنی‌دهی چیست؟ شیخ فرموده بود: «هنوز من بعد از شهید اول، قطع به اجتهد کسی پیدانکردم».<sup>۳</sup>

اما در بررسی‌های آینده مشخص خواهد شد که شیخ همچون سایر علمای بزرگ شیعه هم خود دارای اجازات بوده و هم اجازات مختلف اجتهدیه و رواییه و حسبیه ازوی صادر گردیده است. ممکن است شیخ اعظم در دوره‌ای به دلیلی از دادن اجازات اجتهدیه خودداری می‌کرده است، به نظر می‌رسد شیخ از روی احتیاط، از دادن اجازه به افرادی که توانایی فقهی آنان را احراز نکرده، خودداری می‌کرده است.<sup>۴</sup>

## پنهان



۱. قصص العلماء، ص ۱۰۶.
۲. نصرة الناظرين و نزهۃ الباصرین، چاپ شده در میراث اسلامی ایران، ج ۷، ص ۷۰۶.
۳. گفتگو با دو تن از نوادگان شیخ، ص ۲۲.
۴. مرحوم آیت الله همدانی داستان عبرت انگیزی از شاگردان شیخ اعظم را که اصرار برگرفتن اجتهد از ایشان داشته، نقل می‌کند (مراجعه شود به کتاب عالم رباني، ص ۳۵۵ - ۳۶۰).

## مشايخ اجازه شیخ انصاری<sup>۱</sup>

۱- ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ق)

۲- شیخ علی کاشف الغطاء (۱۱۹۷-۱۲۵۳ ق)

۳- ملا محمد جعفر استرآبادی (۱۱۹۵-۱۲۶۳ ق)

۴- آقاسید حسین امام شوشتی (۱۲۷۵-۱۱۸۹ ق)

۵- سید صدرالدین عاملی (۱۱۹۳-۱۲۶۴ ق)

۶- شیخ محمد سعید دینوری «صد تومانی» (متوفای حدود ۱۲۵۰ ق)

۱- ملا احمد نراقی (۱۱۸۵-۱۲۴۵ ق)

فقیه و مجتهد بزرگ فرزند علامه ملا مهدی نراقی در نراق کاشان بدنیا آمد و از محضر پدر خویش بهره و افربرد، سپس به عراق مهاجرت نمود و از علمای اعلام آنجا چون سید مهدی بحرالعلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء و سید محمد مهدی شهرستانی بهره برد. سپس به کاشان بازگشت و در سال ۱۲۰۹ ق بعد از وفات پدرش ریاست دینی آن سامان به وی متقل گردید و حوزه درسی بزرگی را تشکیل داد و بسیاری از محضرش بهره مند گردیدند یکی از آن افراد شیخ اعظم مرتضی انصاری بود که چهار سال در خدمتش بود و از وی موفق به اخذ اجازه گردید. وی کتب و رسائل بسیاری را تالیف نمود که از جمله آنها می‌توان به «مستند الشیعه»، «عوائد الایام»، «عین الاصول»، «مناهج الاصول»، «معراج السعاده»، «خرزائن» و «طاقدیس» اشاره نمود.<sup>۲</sup>

۱. در مقاله «مستجيزين و مجازين از شیخ احمد احسائی» چاپ شده در «جشن نامه آیت الله رضا استادی»، ص ۲۳۱ به نقل از «عقيدة الشیعه» ص ۹۷، شیخ مرتضی انصاری از مجازین از شیخ احمد احسائی برشمرده شده است و همچنین شیخ حزالدین در معارف الرجال، ج ۲، ص ۳۶۳ در ذیل ترجمه شیخ شعبان گیلانی یکی از مشایخ روایی شیخ را صاحب جواهر معرفی می‌کند و می‌نویسد: کان بیروی عن استذته جمیعاً - وهم از شیخ حبیب الله المرتضی والملا محمد الایروانی و از الشیخ زین العابدین المازندرانی عن الشیخ مرتضی الانصاری عن صاحب الجواهر و همچنین شیخ حزالدین در معارف الرجال، ج ۲، ص ۴۰۲ نقل می‌کند که شیخ از سید محمد باقر شفتی در خواست اجازه می‌کند که سید بخاطر عدم احاطه شیخ به علم رجال در آن زمان از دادن اجازه امتناع می‌کند و در بازگشت دوباره شیخ به خدمت سید می‌رسد.

روضات الجنات، ج ۱، ص ۹۵؛ اعيان الشیعه، ج ۳، ص ۱۸۳؛ تراجم الرجال، ج ۱، ص ۹۰؛ الفوائد الرضویة، ص ۴۱؛ موسوعة مؤلفی الامامیة، ج ۳، ص ۳۲۹-۳۳۹.

شیخ انصاری اجازه خویش را به سال ۱۲۴۴ ق از ملا احمد نراقی اخذ کرده است.

اجازه ملا احمد نراقی به شیخ مرتضی انصاری (رحمه‌الله) :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ وَثَقْتُ

الحمد لله الذى نور قلوبنا بانوار المعرفة والدرایة واوضح لناسیل الرشد والهدایة والصلوة والسلام على سیدنا ونبینا محمد منقد الامة من الضلاله والغواية صلوٰة لاغایه لها لا نهاية و على الله المعصومين الذين كملت بهم دائرة الولاية وبقائهم قامت القيامة وبعد فيقول الحاج الى عفور به الباقى احمد ابن محمد مهدي ابن ابى ذر التراقى بصره الله بعيوب نفسه وجعل غده خيراً من يومه ويومه خيراً من امسه ، ان من من الله سبحانه على العباد ان سهل لهم سبل الرشاد وابان لهم طريق السداد فجعل لحفظ دینه واحکامه علماء مستحفظین لشرایعه واحکامه صارت تلتف الخلف عن السلف ما استودعوا من علوم اهل بيت العصمة والشرف حفظاً لها عن الضياع والتلف فكم من متغرب عن وطنه لطلب العلی ونازح عن سکنه ومسکته نيل المنى ورحلة قدحاب البلاد وتلقى من افواه الشیوخ ما بلغهم من مشاكلهم عن سادات العباد فله درهم اذ عرفوا من قدر العلم ما عرفوا وصرفوا اليه من وجوه هممهم ما صرفوا و كان من جد في الطلب وبذل الجهد في هذا المطلب وفاز بالحظ الأوفر الأسبق وحظى بالنصيب المتکاثر الاهنی مع ذهن ثاقب وفهم صائب وتدقيق وتحقيق ودرکٰ غائرٌ شیقٰ والورع والتقوی والتمسک بتلك العروة الوثقی العالم النبیل والمهذب الاصیل الفاضل الكامل والعالم العامل حاوی المکارم والمناقب والفاتیز باسنی الموهاب الالمعی المؤید والصالک من طرق الكمال للأسد ذوالفضل والنهی والعلم والمحجی الشیخ مرتضی ابن الشیخ محمد امین الانصاری التستری ایدة الله بتأییده وجعله من کمل عبیده و زاد الله في علمه وتقاه وحباه بایرضیه ویرضاه واستجازنى بعد ماتردد الى وقرأ على وتبیّنت فضیلته لدى ولما كان ایده الله جده و ضاعف کده و جده أن يروى عنی كتاب نهج البلاغه في خطب امير المؤمنین والصحيفة السجادیة في ادعیة سید الساجدين عليهم افضل صلوٰة المصلین والكتب الأربعۃ التي عليها المدارفی تلك الاعصار الكافی والفقیہ والتهذیب والاستبصار و الكتب الثلثة الجامعة لم تفرق اخبار الوفی والوسائل وبحار الأنوار وسائل کتب الحديث والتفسیر والفقہ والاستدلال واللغة والتحوی الاصولین والرجال من مصنفات الفرقہ ومؤلفات علماء العترة اعلى الله مراتبهم فى فرادیس الجنة وكذا مصنفات والدى القمیق رفع الله درجاته في دار السلام وما بزمی وجرى به قلمی

فى التصنیف وافرغ عنی فى قالب التأليف فليروعنی جميع ذلك كيف شاء واحب ولمن اراد وطلب بطريق المتصلة الى اهل بيت العصمة وعلماء الفرقه  
فمنها: ما اخبرنى به قرائة وسماعاً واجازة الشيخ الأعظم والاستاذ الأفخم الامام اهمام و البحر القمقام مكمل المعرف والعلوم ومن اذعنت بفضله الخصوص، اليم المتلاطم الأمواج الذى ملأ ذكر مفاخره جميع الفجاج العالم، العابد والعارف الزاهد عمدة المجتهدین وافضل المتأخرین بل المتقدمین والدى واستادی مولانا محمد مهدي ابن ابى ذرالترانی مولداً الكاشانی ریاسةً و مسکناً النجفی التجاءً ومدفناً صاحب المؤلفات الوافرة والمصنفات الفاخرة عن مشائخه الكرام و استادیه العظام السبعة، الذين هم في البلاد بمنزلة الكواكب السبعة في السبع الشداد وهم:

الشيخ الحدث الفاضل والخبر العالم العامل الشيخ يوسف البحرياني

والشيخ المجتهد الحق والاستاد المعتمد المدقق جم الفضائل والمفاخر اقا محمد باقر البهباني

والشيخ الفقيه الكامل والحدث النبیه الفاضل الشيخ محمد مهدي الفتونی العاملی النجفی

والمولی الدین التقی مولانا محمد جعفر الكاشانی البیدکلی

والعالم الفاضل الریانی مولانا محمد اسماعیل المازندرانی الأصفهانی

والفقيه الجامع المدقق علامة الزمان الحاج شیخ محمد ابن الحاج محمد زمان الكاشانی

النوشباری الأصفهانی - افاض الله عليهم شأیب الرحمة والغفران واسکنهم فرادیس الجنان -

بطرقم المتصلة الى رئيس المحدثین وشیخ الاسلام والمسلمین مولانا محمد باقر ابن محمد تقی

المجلسی

او الى مهند قواعد الدين ومقدام المجتهدین الشیخ زین الدین الشهیر بالشهید الثانی

او الى الشیخ امام اهمام والعلامة الشیخ علی ابن عبدالعال الكرکی الشهیر بالمحقق الثانی

او الى امام الأعظم والتحریر العظیم الأجل الأکمل الشیخ شمس الدین محمد ابن مکی

العاملی الشهیر بالشهید الأول - طاب الله ثراهم وجعل الجنة مثواهم.

منها: ما اخبرنى به قرائة وسماعاً واجازة استادی الأعظم وشیخی العظام البحر المتلاطم

الأمواج الذى ملأ ذكر مفاخره جميع الفجاج، ذوالنور الزاهر والفضل الباهر والنسب الطاهر و

الحسب الظاهر والمقام الرفيع والشأن المنبع العالم العابد الزاهد الاوحدی شیخنا واستادنا السيد

محمد مهدي ابن سید مرتضی الطباطبائی النجفی - قدس الله نفسه الزکیه - عن مشائخه العظام

الفضلاء الاجلاء: الاقامحمد باقر البهباني

والشيخ يوسف البحرياني

والشيخ مهدي الفتونی المتقدم ذكرهم



والفاضلين الكاملين السيد حسين القزويني والمولى عبد النبي اليزدي عن المحدث الجلسي ومنها: ما اخبرنى به اجازة شيخى العالم العلم العلام و المجتهد الكامل الفهame قدوه المجتهدين وشمس فلك المعالى والفقه والدين الالمعى اللوزعى السيد السند السيد على ابن محمد على الطباطبائى الحائر - قدس الله ترتبه ورفع فى جنان الخلدرتبته - عن خاله العلام اقا محمد باقر المتقدم القابه الشريفه

ومنها: ما اخبرنى به اجازة الشیخ الفقیه والعالم النبیه السید الجلیل والمهذب النبیل ذوالاُخلاق الرضییه والاوّصف المرضییه کھف الانام وملجاً المخاص وعام المیرزا محمد مهدی ابن ابی القاسم الشہرستانی الحائر - نورالله مرقدہ - عن مشائخه الكرام: الاقا محمد باقر والشیخ یوسف والشیخ محمد مهدی القتوتی المتقدم ذکرهم

ومنها: ما اخبرنى به اجازة شیخ مشایخ عصره وافقه فقهاء دھر الشیخ الاعظم والبحر المعظم الاجل الاکمل ، الشیخ محمد جعفر النجفی - روح الله روحه وکثر فی عالم القدس فتوحه - عن شیخیه الكاملین : الاقا محمد باقر و السید محمد مهدی الطباطبائی المتقدم ذکرهمما، بطرقهم المشار اليها المتصلة الى المحدث الجلسي ره او الشهید الثانی والشیخ علی الكرکی او الشهید الأول المتصلة طرق او لهم الى احد الفضلاء الثلاثة المتعقب ذکرهم له

اوالي الشیخ الاجل الاکمل الاعظم جمال الملة والحق والدين وایة الله في العالمین ابی منصور الحسن ابن یوسف ابن مطھر الحلی الشهیر بالعلامه - نورالله مرقدہ - المتصلة طرق

ثانيهم الى احد الشیخین الكاملین المتعقب له والمتصلة طرق ثالثهم الى الرابع

اوالي العلامة الحلی المتعقب ذکره له والمتصلة طرق الرابع الى العلامه ايضاً

اوالي احد المشایخ العظام : الشیخ الاجل الاعظم شیخ الطائفه ورئيسهم الشیخ ابی جعفر الطوسي رض و الشیخ المفخم المعظم الامام الهمام المکرم رئيس الشیعه واستادهم ومرجعهم و سنادهم محمد ابن محمد ابن النعمان الشیخ المفید و الشیخ العامل الكامل الصدوق الشیخ ابی جعفر محمد ابن علی ابن حسین ابن بابویه القمی والمتصلة طرق العلامه الى احد المشایخ العظام المتأخر ذکرهم المتصلة طرق العلامه الى احد المشایخ العظام المتأخر ذکرهم المتصلة طرقوهم بالائمه الایخار و المعصومین الأطهار - عليهم صلوات الله الملك الغفار -

واعلى طرقی ما اروبه عن الوالد العلم العلامه عن الشیخ یوسف المتقدم عن المولى الفاضل مولانا محمد ابن فرج الشهیر بلا رفیعاً الجیلانی عن المولی المحدث الجلسي عن والده النقی التقی عن الشیخ المعمر البھی الشیخ ابی البرکات الواعظ الاصفهانی عن الحقیکی علی محمد ابن داود عن الشیخ ضیاء الدين عن والده الشهید الأول عن الشیخ جلال الدين

حسن عن الشیخ نجم الدین ابی القاسم الشهیر بالحقّ عن السید فخار عن الشیخ ابی الفضل شاذان ابین جبرئیل القمی عن الشیخ ابی عبد الله الدوریستی عن شیخنا المفید عن الصدوق واعلی طرق الصدوق الی الامام اهمام جعفر ابن محمد الصادق علیہما رحمة الله عن ابیه عن عبد الله جعفر الحمیری عن هارون ابین مسلم عن مساعدة ابین زیاد عن الامام بالحق ابی عبد الله علیہما رحمة الله . وقد اجزت له - جعله الله من المقربین البرار و حشره مع الائمه الأطهار . روایة جمیع ما ذکر عن مشايخی الكرام العظام الذين هم ابائی الروحانيون - جزاهم الله عنی و عن العلم و اهله احسن الجزاء - و اشترط عليه - ایده الله بتاییده - ما اشترط على مشايخی العظام من التثبت في القول والعمل ليطمئن من الوقوع في مهاوى العثرة والزلل وسلوك سیل الاحتیاط المنجی عند المرور على الصراط و ان لا ینسانی من الدعاء عند الخلوات و شرائف الاوقات و یتفقدنی في مظان الاستجابات .

و حرج ذلك بینناه الداشره اوتي بها کتابه في الآخره، احمد ابین محمد مهدی ابین ابی ذر القمی النراقی اصلاً الكاشانی مسکنًا في شهر شوال المکرم من شهور سنة اربع واربعین بعد المأئین و الألف من الهجرة على هاجرها السلام والتحية

<sup>۱</sup> سجع مهر شریف : عبده احمد بن محمد مهدی

۲- شیخ علی کاشف الغطاء نجفی (۱۱۹۷-۱۲۵۳ ق)

فقیه و اصولی بزرگ شیعه و فرزند علامه شیخ جعفر کاشف الغطاء . در نجف اشرف به دنیا آمد و از محضر پدر خویش فقه و اصول را اخذ نمود و حوزه درسی بزرگی را در دو شهر نجف اشرف و کربلا دائر نمود .

وی بعد از وفات برادر فقیه اش شیخ موسی به سال ۱۲۴۱ ق به مرعیت دینی رسید و به شهرت بسیاری نائل آمد و بسیاری از فقهاء و بزرگان از محضرش استفاده نمودند که از جمله آنان می توان به شیخ اعظم مرتضی انصاری و صاحب ضوابط سید ابراهیم قزوینی و سید عبدالفتاح مراغی که تقریرات درسش را بانام «العنایین» به رشته تحریر درآورد، اشاره کرد .

از آثار او می توان «شرح اللمعة الدمشقیه» و «حاشیه بربغیة الطالب» برادرش شیخ موسی و «الرسالة الصومیة» را نام برد . وی در کربلاء وفات نمود و در نجف در مقبره خانوادگی

۱. شخصیت و زندگانی شیخ انصاری، ص ۱۴۹-۱۵۹. متن عکسی نسخه این اجازه نامه، که از روی نسخه اصل نوشته شده است آمده است. همچنین این اجازه نامه را محمد باقر الفت در مجمع الاجازات و منبع الاقادات، ص ۳۳۷-۳۴۲ ذکر کرده است.

شان دفن گردید.<sup>۱</sup>

شیخ انصاری در اجازه‌ای که به فرزند ملا جعفر استرآبادی داده است، وی را زمشایخ روایی خود برشمرده واورا اینگونه می‌ستاید:

و منهم: البحر الزاخر والبدر الباهر، فخر الاوائل والأواخر، الجامع للمحسن والمفاجر، الصفي البهی، المولی الشیخ علی النجفی قدس الله نفسمه الزکیه وأفاض علی مضجعه المرحوم الربانیه.<sup>۲</sup>

### ۳- ملا محمد جعفر استرآبادی (شروعتمدار) (۱۱۹۸-۱۲۶۳ق)

فقیه و مجتهد بزرگ امامیه. وی در قریه نوکده از توابع استرآباد بدنیا آمد. و سپس به بارفروش (بابل کتونی) و بعد از آن به عراق مهاجرت نمود و در کربلا از محضر صاحب ریاض سید علی طباطبائی استفاده کرده و تقریرات فقه و اصول اورابه نگارش درآورده و از وی موفق به اخذ اجازه گردید.

در سال ۱۲۳۱ق به ایران بازگشت و از طرف فتحعلی شاه قاجار به تهران دعوت گردید و در آن سامان به تدریس و تالیف و رسیدگی به امورات شرعی مردم مشغول گردید. وی در سال ۱۲۴۱ق در جنگ ایران و روسیه به مرار سید محمد مجاهد شرکت کرد و در بازگشت به حج خانه خدارفته و سپس مدتی را در کربلا ساکن گردید در سال ۱۲۴۸ق به مشهد مقدس رفت و محمد شاه قاجار از وی برای بازگشت به تهران دعوت کرد و مورد احترام خواص و عوام گردید و به مرجعیت وسیع دینی نائل آمد، علمای بسیاری از محضرش بهره‌مند گردیدند. وی موفق به تالیف حدود شصت کتاب و رساله گردید مانند: «شوارع الأنام»، «مواليد الأحكام»، «دلائل المرام»، «مشكاة الورى» و «موازين الأحكام».

وی در تهران از دنیارفت و جنازه‌اش در نجف اشرف در صحن شریف علوی دفن گردید. از شاگردان بارزاومی توان به دو فرزند دانشمندش شیخ علی و شیخ محمد حسن اشاره کرد.<sup>۳</sup>

شیخ انصاری در اجازه‌ای که به فرزند ملا محمد جعفر استرآبادی داده است، وی را ز

۱. اعيان الشيعة، ج ۸، ص ۱۷۷، العقبات العنبرية، ص ۲۳۸، الكرام البررة، ج ۳، ص ۴۶-۴۷، تکمله نجوم السماء، ج ۱، ص ۴۱۴، معارف الرجال، ج ۲، ص ۹۳، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۳۹۲.

۲. شرح احوال علمای خاندان شروعتمداری، ص ۱۹۵ و ص ۱۹۶-۱۹۷، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۵۵۴-۵۵۶.

۳. روضات الجنات، ج ۲، ص ۲۰۷، اعيان الشيعة، ج ۴، ص ۸۴، الكرام البررة، ج ۱، ص ۲۵۳، الفوائد الرضوية، ص ۶۱، فهرستواره دنا، ج ۱۱، ص ۱۴۸-۱۵۰.

مشايخ روایی خود برشمرده و او را اینگونه می‌ستاید:  
 منهم: وهو اجلهم والده العلامة ازهد اهل عصره واتقاهم و اورعهم و ازکاهم ملاذ المجتهدین  
 و عمدة المحققین، محى شریعة سید المرسلین، ناشر آثار خاتم النبیین، حجۃ الحجۃ علیه السلام  
 علی الخلیقة، مروج مبانی الشریعة، المذهب الانور، مولینا الحاج مولی محمد جعفر الاسترآبادی  
 المتقدم ذکره، روح الله روحه الطیبة.<sup>۱</sup>

#### ۴- آقاسید حسین بن عبدالکریم امام (۱۱۸۹-۱۲۵۷ هـ)

فقیه و مجتهد و امام جمیع شوشتانی، متولد شوشت، ادبیات و فقه و اصول را از پدرش اخذ نمود و سپس به عتبات مهاجرت نمود و از دروس آسید علی طباطبائی صاحب ریاض و سایر علماء بهره برد و از صاحب ریاض موفق به اخذ اجازه گردید. وی در علم و عمل از اقران سبقت گرفت و چون به شوشت برگشت، مرجعیت خوزستان در ایشان استقرار یافت. وی امام جمیع شوشتانی بود که در فنازش تا چهار هزار نفر در مسجد شوشت حاضر می‌شدند.

آقاسید حسین امام نزد خواص و عوام و امراء موجه بود و کراماتی رابه وی نسبت می‌دهند. وی دارای طبع شعر بوده و اشعاری از او بجا مانده است. سرانجام در کاظمین از دنیا رفت و در حرم کاظمیه در رواق شیخ مفید دفن گردید. آثار اوی:

#### ۱- رساله عملیه که ملا عبدالرضا شوشتانی آن راجع آوری کرده و آن را «واجبات الصلاة»

نامید.

#### ۲- تحفة الاخوان که در کاظمین تالیف کرده است.<sup>۲</sup>

شیخ مرتضی انصاری به قصد تیمّن و تبرک ازا اجازه روایتی دریافت نمود. همچنین وی، شیخ اجازه عارف بزرگ شیعی سید علی شوشتانی می‌باشد. از آنجا که این اجازه نامه در ذکر مشایخ می‌باشد همانند اجازه شیخ انصاری از آقاسید حسین امام باشد ما متن این اجازه را ذکر خواهیم نمود.

متن اجازه روایی سید علی شوشتانی به میرزا محمد همدانی که در آغاز سلسله آن سید حسین امام شوشتانی قرار دارد، اینچنان است:

.... و أنا أروي ذلك عن ثقات الأعلام وفضلاء كرام وصلحاء كرام وفقهاء متفقين و  
 علماء متقيين،

۱. شرح احوال علمای خاندان شریعتمداری، ص ۱۹۵

۲. شجره مبارکه، ص ۳۹۸-۱۳۶، نابغه فقه و حدیث، ص ۳۲۹ ، الكرام البررة، ج ۱، ص ۳۹۸ .

منهم: العالم البارع والفضل الذى له فى الفضل مجال واسع، من تجلبب بالتقى واتزر بالقدس والورع، فأخذ بركابه افواج ممن بالزهد ادرع حضرة القدس وحظيرة الأنس وحياة النفس امام الجمعة والجماعة فى تستر، ومن انتشرت أشعة شمس الشرع بوجوده وأبى أن تستر، سيدنا الأجل السيد حسين، ساق الله اليه سحائب رضوانه مدى الجديدين، عن أبيه القمر الكوثرى وبريق العلم الجوهرى السيد عبدالكريم الموسوى التسترى، عن العالم البر الذى شاع علمه وبته بحراً برباً وكشف الأستار عن اسرار العلوم فلم يترك فى الحساب سراً، السيد السند السيد عبدالله شارع النخبة، أمطر الله عليه من غفرانه سجاله، عن أبيه الحبر النحرير و البحر العذب المحظير الصادق القول الامين، مروج الشرع المبين السيد الجليل نورالدين، عن جماعة من مشايخ الفحول.

حيلولة: وعن مشكاة مصباح النور سيدنا الأجل السيد حسين المذكور عن منبع حياض الفضائل ومنتبت رياض المسائل وفتح الاحكام بالدلائل العالم الفائق على القاصى والداني الامير سيد على الطباطبائى عن خاله الوحيد البهبهانى.<sup>۱</sup>

۵- سید صدرالدین محمد بن صالح عاملی (۱۱۹۳-۱۲۶۴ ق)

فقیه و اصولی بزرگ شیعه، متولد شد غیث از توابع صور جبل عامل در لبنان وی از پدرش و شیخ سلیمان بن معتوقد عاملی و سید محسن اعرجی و شیخ اسد الله شوشتی و سید علی طباطبائی صاحب ریاض، و شیخ جعفر کافش الغطاء بہرہ برد و به افتخار دامادی استادش شیخ جعفر کافش الغطاء نائل آمد.

نشانه های نبوغ علمی دروی آشکار بود واستادش صاحب ریاض به سال ۱۲۱۰ ق در اجازه اجتهادی که درسن ۱۷ سالگی به وی داده اشاره می کند که وی قبل از این تاریخ به درجه اجتهاد رسیده است. وی همچنین در قم از میرزا قی بہرہ مند گردید و سپس به اصفهان رفته و ساکن آنجا گردید و عهده دارتدریس واقمه حدود و احکام گردید.

علمای بسیاری از محضرش بہرہ مند گردیدند و بسیاری موفق به اخذ اجازه ازوی گردیدند که یکی از آنها شیخ مرتضی انصاری می باشد از آثار علمی وی: «أشرة العترة»، «عترة العترة»، «المستطرفات»، «قوت لایموت» و «القسطناس المستقيم» می باشد.

وی در نجف اشرف از دنیا رفت و در صحن علوی به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

۶- محمد سعید دینوری «صد تومانی» (وفات حدود ۱۲۵۰ق)

محمد سعید بن یوسف دینوری قراچه داغی معروف به «صد تومانی»

فقیه صالح از بیوتات قدیمی نجف اشرف معروف به «بیت صد تومانی».

این فقیه برجسته که از بزرگان زمان خود بود از افضل شاگردان سید مهدی بحرالعلوم محسوب می‌گردید و از ناحیه وی صاحب اجازه بود. وی رساله‌ای در مناظره استادش سید مهدی بحرالعلوم با علمای یهود تالیف کرده است. وهمچنین از شیخ جعفر کاشف الغطاء و مرحوم وحید بهبهانی و سید محمد جواد عاملی صاحب مفتاح الكرام اجازه داشته است. از جمله کسانی که موفق به اخذ اجازه از او شدند، سید رضا فرزند سید مهدی بحرالعلوم و میرزا احمد بن لطف علی تبریزی می‌باشند.

شیخ مرتضی انصاری نیازاروی اجازه داشته است و بر روی منبره علو سند این اجازه نامه افتخار می‌کرده است.<sup>۲</sup>

کسانی که از شیخ انصاری اجازه روائی داشته‌اند:

۱- میرزای شیرازی<sup>۳</sup>

۲- ملا حسینقلی همدانی<sup>۴</sup>

۳- میرزا محمد حسن آشتیانی<sup>۵</sup>

۴- سید حسن کشمیری<sup>۶</sup>

۵- محدث نوری<sup>۷</sup>

۶- فاضل شرایانی<sup>۸</sup>

۱. روضات الجنات، ج ۴، ص ۱۲۶، تکملة امل الامل، ص ۲۲۵، معارف الرجال، ج ۲، ص ۳۳۸ اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۳۷۲، بغية الراغبين، ج ۱، ص ۱۴۷، موسوعة طبقات الفقهاء ج ۱۳، ص ۴۶۵-۴۶۷، فهرستواره دنا، ج ۱۱، ص ۷۱۶.

۲. الكرام البرة، ج ۲، ص ۶۰۲-۶۰۱، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۴۷-۱۴۸

۳. الاجازة الكبيرة، ص ۳۶

۴. همان، ص ۱۲۲، ۳۷

۵. همان، ص ۱۵۴، ۴۴

۶. همان، ص ۱۳۷

۷. همان، ص ۳۱۵، میراث حدیث شیعه، ج ۵، ص ۴۳۶

۸. همان، ص ۴۲۳، الذریعة، ج ۱، ص ۲۲۹

- ٧- لطف الله لاریجانی<sup>۱</sup>
- ٨- عبد الرحیم تستری<sup>۲</sup>
- ٩- سید علی شوشتاری<sup>۳</sup>
- ١٠- ملاعلی نهاندی<sup>۴</sup>
- ١١- السيد محمد علی شاه عبدالعظیمی<sup>۵</sup>
- ١٢- شیخ جعفر شوشتاری<sup>۶</sup>
- ١٣- شیخ محمد حسین بن هاشم کاظمی<sup>۷</sup>
- ١٤- ملاعلی بن الخلیل الطهرانی<sup>۸</sup>
- ١٥- محمد علی بن جعفر شوشتاری<sup>۹</sup>
- ١٦- میرزا محمد بن عبدالوهاب همدانی<sup>۱۰</sup>
- ١٧- سید جمال الدین اسد آبادی<sup>۱۱</sup>
- ١٨- میرزا محمد هاشم چهارسوقی<sup>۱۲</sup>
- ١٩- المولی ابوتراب القزوینی<sup>۱۳</sup>
- ٢٠- سید محمد بن هاشم لکھنؤی<sup>۱۴</sup>

۱. همان، ص ۴۴۴
۲. همان، ص ۴۴۸، الذریعة ج ۱۱، ص ۲۰
۳. الکرام البرة، ج ۳، ص ۹۴
۴. میراث حدیث شیعه، ج ۵، ص ۴۳۰
۵. همان، ج ۵، ص ۴۳۲
۶. الذریعة، ج ۱۱، ص ۱۶، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۳۹، ذیل اجازه الشیخ جعفر التستری
۷. الذریعة، ج ۱۱، ص ۱۹
۸. همان، ج ۱۱، ص ۲۲، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۷۱
۹. همان، ج ۱۱، ص ۲۵-۲۶
۱۰. همان، ج ۱۳، ص ۳۷
۱۱. مجله حوزه، شماره ۵۹-۶۰، ص ۳۱ و سیاستگران دوره قاجار، ص ۱۸۶، در این مصدر آمده است اگر سید جمال چنین اجازه ای داشت سند به این مهمی را قالاً چندین جاعکس می‌انداختند و منتشر می‌کردند.
۱۲. جشن نامه استاد سید علی خراسانی، اجازه میرزا محمد هاشم چهارسوقی به میرزا محمد حسین همدانی، ص ۸۵۷، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۴۰-۴۶۷
۱۳. میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۴۳۷
۱۴. تکملة نجوم السماء، ج ۲، ص ۲۵۴ و نقباء البشر، ج ۵، ص ۲۹۴

۲۱- سید عباس موسوی معروف به آقا سید عباس.<sup>۱</sup>

۲۲- میرزا نصرالله نائینی<sup>۲</sup>

۲۳- میرزا ابراهیم خراسانی<sup>۳</sup>

۲۴- ملا محمد دیروانی<sup>۴</sup>

افرادی که به گرفتن اجازه اجتہاد آنها از شیخ انصاری تصریح شده اما از اصل اجازه نامه مدرکی در دست نیست:

۱- میرزا ابوالقاسم کلاتر (۱۲۹۲-۱۲۳۶ق)<sup>۵</sup>

۲- ملا احمد خوئینی (۱۲۴۷-۱۳۰۷ق)<sup>۶</sup>

۳- شیخ حسن دزفولی کاظمی (و ۱۲۹۸ق)<sup>۷</sup>

۴- فخرالدین محمد اسماعیل کجوری (۱۲۲۳-۱۲۷۸ق)<sup>۸</sup>

۵- شیخ محمد تقی همدانی (۱۲۶۳-۱۳۱۴ق)<sup>۹</sup>

۶- میرزا محمد حسن قمی (۱۲۴۱-۱۳۰۴ق)<sup>۱۰</sup>

۷- میرزا محمد هاشم چهارسوقی (۱۲۳۵-۱۳۱۸ق)<sup>۱۱</sup>

۸- سید ابوالقاسم جعفر بن مهدی موسوی<sup>۱۲</sup>

۹- سید اسحاق قمی (و ۱۲۹۰ق)<sup>۱۳</sup>

۱۰- سید حسین بہبهانی (۱۲۱۵-۱۳۰۰ق)<sup>۱۴</sup>

۱. نام آوران علم و اجتہاد کرمان، ص ۱۷۵.

۲. مطلع الشمس، ج ۲، ص ۳۹۷-۳۹۸؛ تاریخ علمای خراسان، ص ۲۵۴.

۳. تاریخ علمای خراسان، ص ۲۸۸.

۴. معارف الرجال، ج ۲، ص ۳۶۲.

۵. نقباء البشر، ج ۱، ص ۶۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۷۰، تراجم الرجال، ج ۱، ص ۹۲.

۷. الكرام البرة، ج ۱، ص ۳۰۶.

۸. همان، ج ۱، ص ۱۴۰.

۹. نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۴۱.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۲۸۶.

۱۱. ضیاء الابصار، ج ۲، ص ۵۸۵، الذریعة، ج ۱، ص ۲۶۱.

۱۲. الكرام البرة، ج ۱، ص ۶۷.

۱۳. نقباء البشر، ج ۱، ص ۱۲۹.

۱۱- مولی ابوطالب سلطان آبادی<sup>۲</sup>

۱۲- شیخ محمدحسین محمد عاملی<sup>۳</sup>

۱۳- شیخ محمدطاهر خاقانی<sup>۴</sup>

۱۴- سید محمدعلی مشهدی<sup>۵</sup>

۱۵- سید اسماعیل بہبهانی (۱۲۹۵-۱۲۲۹ ق)<sup>۶</sup>

اجازات موجود اجتهادی و روائی از شیخ انصاری:

۱- اجازه اجتهادی و روائی به محمد باقرنجفی اصفهانی (۱۲۳۵-۱۳۰۰ ق) به سال ۱۲۶۲

۲- اجازه اجتهادی و روائی به شیخ علی شریعتمدار استرآبادی (۱۲۴۲-۱۳۱۵ ق) به سال

۱۲۷۲ ق

۳- اجازه اجتهادی و روائی به شیخ محمد حسن شریعتمدار استرآبادی (۱۲۴۹-۱۳۱۸ ق)

به سال ۱۲۷۶ ق

۴- اجازه اجتهادی و روائی به میرزا داود بروجردی (زنده به سال ۱۲۶۰ ه)

۵- اجازه حسیبیه به ملا شکرالله لواسانی (و ۱۳۱۹ ق)

۶- اجازه به ملا احمد بسطامی.

۷- اجازه اجتهادی به سید صبغه الله کشفی دارابی بروجردی (۱۲۱۸-۱۲۷۷ ق)

۸- اجازه به شیخ ابوالقاسم دامغانی (حدود ۱۲۱۹-۱۲۹۷ ق)

۹- اجازه به شیخ احمد فیضی کاشانی (و ۱۲۸۶ ق) به سال ۱۲۶۲

۱۰- اجازه به میرزا محمد تقی بن محمد باقر مهریجردی یزدی (۱۲۲۷-۱۳۰۷ ق) به سال ۱۲۵۹ ق

مجازین:

۱- شیخ محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی نجفی (۱۲۳۵-۱۳۰۱ ق)



۱. الكرام البرة، ج ۱، ص ۴۱۵، نقابة البشر، ج ۱، ص ۳۹۴

۲. تراجم الرجال، ج ۱، ص ۶۰

۳. نقابة البشر، ج ۲، ص ۵۷۰

۴. همان، ج ۳، ص ۸۷۰

۵. همان، ج ۴، ص ۱۰۷۸

۶. الكرام البرة، ج ۱، ص ۱۶۴

فقیه و اصولی و مرجع تقليد، فرزند علامه شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب هدایة المسترشدین در اصفهان متولد گردید و به نجف اشرف کوچ کرد و از محضر دائی بزرگش شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری بهره مند گردید و در ۲۷ سالگی از شیخ اعظم انصاری موفق به اخذ اجازه گردید. وی به اصفهان بازگشت و به مرجعیت دینی و علمی آن سامان رسید بگونه‌ای که حدود شرعی را جرامی کرد. فقهاء و مجتهدین بزرگی از محضرش بهره مند گردیدند؛ مانند سید اسماعیل صدر و سید ابوالقاسم دهکردی اصفهانی و فرزندش شیخ محمدتقی آقانجفی. از جمله آثار او: «لب الفقه»، «لب الاصول»، «رسالة في الاستصحاب» و «رسالة في حجية الظن الطريقي».

<sup>۱</sup> وی در نجف اشرف از دنیا رفت و در صحن علوی دفن گردید.

اجازه شیخ انصاری به شیخ محمد باقر اصفهانی نجفی:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآلـهـ الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين. فقد أجزت للأعزـالأمجدـ والأنقىـ الواحدـ، العالمـ العاملـ الفاضلـ الكاملـ، صاحبـ التدقـيقـاتـ الرائـقةـ بالـذـهنـ [الـقوـيـمـ]ـ،ـ والـتحـقيـقاتـ الفـائـقةـ بـالـفـهـمـ المـسـتـقـيمـ،ـ سـلاـلةـ الفـحـولـ وـمـتـقـنـ الفـرـوعـ وـالـأـصـوـلـ،ـ الـأـمـعـىـ المـؤـيدـ والـلـوـذـعـىـ الـمـسـدـدـ،ـ جـنـابـ الشـيـخـ مـحـمـدـ باـقـرـ،ـ وـفـقـهـ اللـهـ لـرـضـاهـ وـبـلـغـهـ أـقـصـىـ منـاهـ،ـ أـنـ يـرـوـىـ عـنـىـ جـمـيعـ ماـ يـصـحـ لـىـ روـاـيـتـهـ مـنـ جـمـيعـ الـأـخـبـارـ الـمـأـثـورـةـ فـيـ فـنـونـ عـلـمـ الدـيـنـ الـمـوـدـعـةـ فـيـ كـتـبـ أـصـحـابـناـ رـضـوانـ اللـهـ عـلـيـهـمـ أـجـمـعـينـ،ـ الـمـنـتـهـيـ إـلـىـ أـصـحـابـ الـعـصـمـةـ،ـ صـلـوـاتـ اللـهـ عـلـيـهـمـ أـجـمـعـينـ،ـ بـوـاسـطـةـ مشـايـخـ الـأـفـاضـلـ الـأـوـحـدـيـنـ؛ـ مـنـهـمـ:ـ شـيـخـىـ الـعـلـامـ،ـ جـامـعـ الـمـعـقـولـ وـالـمـنـقـولـ،ـ وـمـقـنـنـ الـفـرـوعـ وـ الـأـصـوـلـ،ـ الـحـاجـ مـلـاـ أـمـدـ الزـرـاقـيـ طـابـ ثـرـاهـ،ـ عـنـ شـيـخـيـهـ وـسـنـادـيـهـ:ـ السـيـدـ الـأـجـلـ الـأـمـجـدـ،ـ الـعـلـامـ الـأـوـحـدـ،ـ بـحـرـ الـعـلـومـ وـمـحـيـ الرـسـوـمـ،ـ السـيـدـ مـحـمـدـ مـهـدـىـ طـبـاطـبـائـىـ طـابـ ثـرـاهـ،ـ وـوـالـدـهـ الـعـلـامـ،ـ وـحـيدـ عـصـرـهـ وـنـادـرـةـ دـهـرـهـ،ـ الـزـاهـدـ التـقـىـ،ـ الـحـاجـ مـلـاـ مـهـدـىـ الزـرـاقـىـ،ـ عـنـ شـيـخـهـمـاـ الـزـاهـدـ الـأـوـرـعـ،ـ خـاتـمةـ الـمـحـدـثـيـنـ،ـ الشـيـخـ يـوسـفـ الـبـحـرـانـىـ طـابـ ثـرـاهـ،ـ عـنـ شـيـخـ الـمـحـدـثـ الشـيـخـ مـحـمـدـ بـنـ فـرجـ الشـهـيرـ عـلـادـ رـفـعـاـ،ـ عـنـ شـيـخـهـ الـعـلـامـ أـكـمـاـ،ـ الـمـحـدـثـيـنـ،ـ آـتـهـ اللـهـ فـيـ الـعـالـمـيـنـ،ـ غـوـاصـ،ـ بـحـارـ الـأـنـوـاـرـ،ـ وـمـحـسـ،ـ آـثـارـ

<sup>١</sup> اعيان الشيعة، ج ٩، ص ١٨٦، نقباء البشر، ج ١، ص ١٩٨، مكارم الاتهار، ج ٣، ص ١٠٧، تكملة نجوم السماء، ج ٢، ص ٢، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ٢٣٣، حکم نافذ آقا نجفی، ص ٢٨٧، قبیله عالمان دین، ص ٤٥، احوال و آثار شیخ محمد تقی رازی، ص ١٧٨.

الائمة الأطهار صلوات الله عليهم المولى محمد باقر المجلسی، عن مشايخه المعروفین المذکورین فی الاجازات المعروفة.

فأجزت له (أيده الله) أن يروي عنى جميع ما أودع في كتب أصحابنا من الآثار المنسوبة إلى الأئمة الأطهار (صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين) بطريق المذكورة في أوراق إجازاتى التي أعلاها ما ذكرته في هذه الأسطر على سبيل الاختصار، وأخذت عليه (وقفه الله) ما أخذه على أسلافى من الاحتياط في القول والعمل، والتوقف في مظان الزلل، وأن لا ينساني عن الاستغفار، وأرجو من الله جل ذكره أن يوفقه لبلوغ أقصى مدارج الكمال، بحق محمد وآلہ وصلى الله على محمد وآلہ. كتبه بيمناه الجانية، أحقر المشتغلين، ابن محمد أمین الانصاری، مرتضی الانصاری، في شهر صفر من شهر سنة ۱۲۶۲ من الهجرة النبوية، (على مهاجرها آلاف الشاء والتحية) حامداً مصلياً على رسوله وآلہ الطيبین الطاهرين.

## ۲- شیخ محمد حسن شریعتمدار استرآبادی (۱۲۴۹-۱۳۱۸ق)

فقیه و اصولی فرزند علامه شیخ محمد جعفر استرآبادی معروف به شریعتمدار در کربلا بدینی آمد و از محضر پدرش بهره مند گردید و سپس به ایران آمده و در تهران مستقر گردید. بعد ازوفات پدر بزرگوارش به عراق کوچ کرد و از محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ مشکور حولاوی و شیخ محسن خنفر باهلی و شیخ راضی مالکی استفاده کرد و سپس به تهران بازگشت و به مرجعیت اجتماعی و دینی و علمی رسید.

ازوی تالیفات بسیاری بجا مانده است، مانند: «اساس الاحکام»، «نصرة المستبررين»، «معراج المؤمنین»، «ینایع العقول» و «مظاهر الآثار».

این فقیه برجسته در تهران از دنیا رفت.<sup>۱</sup>

وی در باب اجازه اجتہادش چنین می نگارد:

در حالی که من بیست و سه سال داشتم، بعضی از مشايخ به من اجازه اجتہاد دادند که در اینجا (کتاب مظاهر الآثار) صورت اجازة شیخ مرتضی انصاری و شیخ راضی و شیخ مشکور رحیمهم الله آورده شده است.<sup>۲</sup>

۱. معارف الرجال، ج ۲، ص ۲۳۹، ریحانة الادب، ج ۳، ص ۲۱۰، نقیباء البشر، ج ۱، ص ۳۹۱، مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۳۴۹، شرح احوال علمای خاندان شریعتمداری، ص ۱۹۴، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۲۷۰، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۶۶۵-۶۶۴، فهرستواره دنا، ج ۱۱، ص ۶۱۳.

۲. شرح احوال علمای خاندان شریعتمداری، ص ۱۹۴-۱۹۵، به نقل از نسخه خطی کتاب «مظاهر الآثار» ایشان.

اجازه شیخ اعظم انصاری به شیخ محمد حسن بن محمد جعفر استرآبادی  
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآلہ الطیبین الطاهرين ولعنة  
الله على اعدائهم اجمعین، الى يوم الدين.

وبعد فان المولى الاجل الاحد والفضل الكامل الاوحد والعارف الفقيه الارشد، البالغ في  
العلوم العقلية والنقلية، مرتبة الكمال والراقي الى درجة الاجتهاد والاستنباط بالاستدلال  
الفقهيّة البيتية، المؤمن الشیخ محمد حسن بلغه الله في الدنيا والآخرة اماليه وختم بالخير و  
السعادة اعماله، نجل الامام العلام الرافع للدين أقوى دعامي المنهى اليه الرئاسة العامة، المولى  
الانور الازهر اهادی، ثقة الاسلام وظهیره، مولينا الحاج ملا محمد جعفر الاسترآبادی تغمده الله  
برحمته في الروائح والغواصی، بعد أن صرف مدة مدیدة في الاماکن المباركة والعتبات المعظمة،  
على مشرفها آلاف السلام والثناء والتحية، في تحصيل العلوم الدينية وكسب الکمالات  
المعنویة، ساعيًاً للتخلی بالصفات الحسنة، راغبًاً للتخلی عن الخصال الرذيلة فحصل بتوفيق الله  
سبحانه وتاکیده عز شانه، حظاً وافرًا من العلوم الشرعیة قسطاً كاملاً من المناهج الدينیة، حتى  
رزقه الله القویة القدسیة والملکة الاجتھادیة الالھیة التي يقتدر بها على استنباط الاحکام الشرعیة  
والفروع الخفیة عن أدلةها التفصیلیة واصوھا الكلیة، استجاذنى زاد الله توفیقہ لاتصال اسانید  
الاخبار الى مخازن الاسرار، من النبي والائمة الاطهار، فأجزته زید فضله وعزه وقویه، أن يروی  
عنى ما سمعه منى وما هداني الله تعالى لابرازه، من دقائق الافکار التي خلت عنها کتب  
الاخبار وما وفقني لاظهار فی قالب التأليف والتركيب وكلما جازلی روایته من الاخبار المرویة  
عن مخازن العلوم الالھیة والادعیة والمناجاة المأثورة سیما الصحیفة السجادیة والصنفات في  
الفقه والاخبار من اصحابنا الامامیة وغيرها من المصنفات في العلوم الدينیة کكتب التفاسیر و  
الزيارات والرجال وغيرها، خصوصاً الاصول الاربعة المشتهرة في الامصار اشتهر الشمس في  
رابعة النهار، التي عليها المدار في هذه الاعصار، الكافی والفقیہ والتہذیب والاستبصار و ما تولد  
منها و من غيرها كالوسائل والوافق والبحار؛ فله زاد الله تعالى شأنه ونصراعوانه و انصاره، أن  
يرویها عنى وعن جماعة مشايخ،

منهم: وهو اجلهم والده العلام ازهد اهل عصره واتقاهم واورعهم وازكاهم ملاد المحتدین  
و عمدة المحققین، محیی شریعت سید المرسلین، ناشر آثار خاتم النبیین، حجۃ الحجۃ (ع) على  
الخلیقة، مروج مبانی الشریعۃ، المهدب الانور، مولانا الحاج مولی محمد جعفر الاسترآبادی المتقدم  
ذکرہ، روح الله روحه الطیبة.

منهم: البحر الداخرو البدر الباهر، فخر الاولیاء والواخر، الجامع للمحسن والمفاخر، الصفی

البھی، المولی الشیخ علی التجفی قدس الله نفسم الزکیة و افاض علی مضجعه المراحم الربانیة. و منهم : العلامۃ الفہاما، قدوة الفضلا المحققین و عمدة العلماء الراشدین و الفقهاء المجتهدین، المولی الاجل، الامجد الاوحد، الحاج ملا احمد النراقی قدس الله ضریحه، فکل هؤلاء الاعلام یروون عن مشايخهم العظام الى أن ینتهي الى الامام (ع) و طریقهم معروفة معهودة وبالمتنانة و الوثائق موصوفة.

کتبه العبد العاصی مرتضی ابن محمد امین الانصاری  
فی شعبان ۱۲۷۶<sup>۱</sup>.

### ۳- شیخ علی شریعتمدار استرآبادی (۱۲۴۲- ۱۳۱۶ ق)

فقیه و اصولی و متکلم، فرزند علامه شیخ محمد جعفر استرآبادی معروف به شریعتمدار وی از پدرش و از علمای بزرگ نجف اشرف همانند شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری بھرہ فراوان برد و در علوم عقلی و نقلی سرآمد همگان گردید. وبالغ بر هفتاد کتاب و رساله تالیف کرد. مانند: «الصرة الخفیه» در شرح الدرة التجفیه سید مهدی بحرالعلوم، «الغرائب الربوییة»، «رموز الکنوز»، «منهج الدراسیة»، «درر الاحکام»، «الجامع الناصری»، «کنز التفاسیر» و «غاية الامال».<sup>۲</sup>

اجازه شیخ اعظم انصاری به شیخ علی بن محمد جعفر استرآبادی

شیخ علی شریعتمدار استرآبادی در زندگی نامه خود نوشت خود اینچنین می نگارد: و نذکر ثالثاً: صورة بعض أجازاتنا من بعض المشايخ - رفع الله أقدارهم وأليس بفاخر التوفيق أعمارهم - تبرکاً بعيامن عيالهم، و تحفظاً لما يؤدي به وصاياتهم من الاحتیاط فی القول و العمل، والتّوسل والتّوکل والاستغفار عن الزلل.

فنهما: ما کتبه لی بعد الاستجازة شیخی الأعلم الأزهد الأروع الأفخم، البحر القمّام، أفضل مشايخ الأيام، المتبحر فی المعارف والعلوم، العریف بالمسالک والرسوم، النحریر العلامۃ، الّذی مدت إلی استماع معارفه أعناق الخاصة والعامّة، المسدد المؤید من الله الباری، شیخنا الشیخ «المرتضی الانصاری»، وهو هذا:



۱. شرح احوال علمای خاندان شریعتمداری، ص ۱۹۴-۱۹۵
۲. نقیاء البشر، ج ۴، ص ۱۳۱۱، تراجم الرجال، ج ۱، ص ۳۸۴، شرح احوال علمای خاندان شریعتمداری، ص ۱۲۶، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۴، ص ۴۴۳-۴۴۴، فهرستواره دنا، ج ۱۱، ص ۱۴۶-۱۴۷، میراث حدیث شیعه، ج ۳، ص ۳۷۴.

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على خير خلقه محمد وآلـه الطـاهـرـين، ولعنة الله على اعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين إلى يوم الدين.

الحمد لله رافع درجات العلماء العاملين إلى أعلى علـيـين وـخـافـضـ دـرـكـاتـ الجـاهـلـينـ إـلـىـ

أـسـفـ السـافـلـينـ، وـجـاعـلـ أـقـدـامـ الـعـلـمـاءـ الـعـاـمـلـينـ وـاطـئـةـ عـلـىـ أـجـنـحةـ الـمـلـائـكـةـ الـمـقـرـبـينـ، وـمـفـضـلـ

مـدـادـهـمـ عـلـىـ دـمـاءـ الشـهـادـهـ وـالـصـدـيقـينـ، وـجـاعـلـهـمـ وـرـثـةـ الـأـنـبـيـاءـ الـمـرـسـلـينـ، وـخـلـفـاءـ الـأـمـةـ

الـمـرـضـيـينـ، إـذـ بـهـمـ قـوـامـ شـرـيـعـةـ سـيـدـ الـمـرـسـلـينـ وـخـاتـمـ الـنـبـيـينـ، وـهـمـ الـمـتـكـفـلـونـ بـأـيـتـامـ الـأـمـةـ

الـطـاهـرـينـ، وـالـذـابـتـونـ عـنـ أـحـكـامـ اللهـ تـعـالـىـ زـيـعـ الـمـبـطـلـينـ وـشـبـهـ الـمـلـحـدـينـ.

والصلوة على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد وآلـهـ الطـيـيـنـ الطـاهـرـينـ.

أما بعد، فإنـ جـنـابـ الـمـولـىـ الـأـمـجدـ، وـالـعـالـمـ الـعـلـمـاءـ الـأـرـشـدـ، وـالـفـاضـلـ الـفـهـامـةـ الـأـسـعـدـ، ولـدـنـاـ

الـعـالـمـ الـرـوـحـانـىـ، وـعـزـيزـنـاـ الـعـارـفـ الـفـقـيـهـ السـبـحـانـىـ، وـالـكـامـلـ الـصـمـدـانـىـ، ذـىـ الـمـقـامـاتـ الـعـلـىـ،

وـالـفـضـائـلـ الـجـلـيـةـ، وـالـفـوـاضـلـ الـسـنـيـةـ، وـالـمـرـاتـبـ الـجـامـعـيـةـ، وـالـشـئـونـ الـرـبـانـيـةـ، وـالـمـوـهـبـةـ الـإـلهـيـةـ، وـ

الـمـلـكـةـ الـمـلـكـوـتـيـةـ، وـالـقـدـرـةـ عـلـىـ اـسـتـبـاطـ الـأـحـكـامـ الـشـرـعـيـةـ الـأـصـلـيـةـ وـالـفـرعـيـةـ، عـنـ الـأـدـلـةـ الـقـطـعـيـةـ

وـالـظـيـيـةـ التـفـصـيـلـيـةـ؛ صـاحـبـ الـهـمـةـ الـعـلـىـ وـالـأـخـلـاقـ الـمـرـضـيـةـ، وـالـتـدـقـيـقـاتـ الـتـحـقـيقـيـةـ الـرـبـانـيـةـ

الـإـلهـيـةـ، وـالـنـفـسـ الـقـدـسـيـةـ، وـالـقـوـةـ الـمـلـكـوـتـيـةـ، ذـىـ الـمـنـاقـبـ الـفـاخـرـةـ وـالـمـفـاخـرـ الـوـافـرـةـ، صـاحـبـ الـفـهـمـ

الـصـائـبـ الـوـقـادـ وـالـذـهـنـ الثـاقـبـ النـقـادـ، الـعـالـمـ الـعـلـمـاءـ الـفـاضـلـ الـفـهـامـةـ، الـورـعـ التـقـىـ وـالـمـهـذـبـ

الـصـفـىـ، الـزـكـىـ الـلـوـزـعـىـ الـأـلـمـعـىـ جـنـابـ الـأـقاـ «ـشـيـخـ عـلـىـ»ـ نـجـلـ الـعـلـمـاءـ الـفـاضـلـ الـمـحـقـقـ الـمـدـقـقـ

الـمـعـتـبـرـ «ـالـحـاجـ مـحـمـدـ جـعـفـ الرـأـبـادـىـ»ـ، تـغـمـدـهـ اللهـ بـرـضـوـانـهـ فـىـ الـرـوـاـيـحـ وـالـفـوـادـىـ.

قد اشتغل - سـلـمـهـ اللهـ تـعـالـىـ - عـنـدـنـاـ مـدـدـةـ مـنـ الزـمـانـ وـبـرـهـةـ مـنـ الـأـوـانـ، وـحـضـرـ فـىـ درـسـنـاـ مـعـ

جـمـلةـ مـنـ الـعـلـمـاءـ الـأـعـلـامـ وـالـفـضـلـاءـ الـأـعـلـامـ وـالـأـجـلـاءـ الـأـعـيـانـ، فـحـصـلـ لـهـ بـحـمـدـ اللهـ تـعـالـىـ مـنـ

الـتـرـقـىـ فـىـ الـعـلـومـ مـاـفـاقـ بـهـ عـلـىـ الـأـقـرـانـ وـأـبـنـاءـ الـزـمـانـ، وـصـارـ مـنـ الـعـلـمـاءـ الـأـعـلـامـ وـالـفـضـلـاءـ

الـأـعـلـامـ، وـالـمـحـقـقـينـ الـكـرامـ وـالـمـدـقـقـينـ الـفـخـامـ، وـحـيـثـ كـانـ - سـلـمـهـ اللهـ - بـتـلـكـ الـمـثـابـةـ، وـاسـتـجـازـ

مـتـاـولـمـ نـجـدـ بـدـأـ مـنـ إـجـابـةـ، فـأـجـزـتـ لـهـ - أـدـامـ اللهـ تـأـيـيـدـهـ - أـنـ يـرـوـىـ عـنـىـ جـمـيعـ مـاـيـجـوزـلـىـ

روـاـيـتـهـ إـجـازـةـ عـنـ مـشـايـخـ وـأـسـلـافـ، رـضـوـانـ اللهـ عـلـيـهـمـ أـجـمعـينـ.

١. في غاية الآمال، ص ٣٨٣: إلى هنا كانت بخط بعض مشايخ النجف بإملائه - دام ظله - مراجعتاً لما في بصره الشريف من الضعف، فكتب بخطه تبركاً ويتمناً بتتابعه السيد المبرور صاحب الرياض في إجازة والدى هكذا...

مشترطاً عليه -دام تأييده- الاحتياط في القول والعمل، ملتمساً منه الاستغفار عن النزل، سائلاً من الله ولئن التوفيق أن يوقفه لما يرضيه.

حرره أحق العباد مرتضى بن محمد أمين الأنصارى حامداً الله مصلياً على نبيه محمد وآلها، صلوات الله عليهم أجمعين.<sup>١</sup>

ومنها: ما أجازنى باستجازة غيرى وصورته [هذا]:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، والصلة والسلام على خير خلقه محمد وآلها الطاهرين، ولعنة الله على اعدائهم من الأولين والآخرين.

أما بعد، فإن جناب ولدنا العالم العلامة الفاضل الفهامة، زبدة المحققين ونخبة المدققين، وسنان الفضلاء العارفين، وعمدة الأجلاء الكاملين، ذى التقى القدسية، والموهبة السنية، والقوءة الملكوتية التي تقدربها على استنباط الأحكام الشرعية الفرعية عن أدلةها التفصيلية، الورع التقى، والمهذب الصفي الزكي، جناب «الشيخ على» دام فضله، نجل الإمام العلامة المعتبر «الحاج محمد جعفر» قدس سره الأزهر.

لما اشتغل، عندنا، وحضر فى درسنا مدة من الزمان، ووجدناه من العلماء الأعلام والفضلاء الأعلام، فحصل له بحمد الله من الترقى فى العلوم ما فاق به على الأقران، فأردنا أن نحيزه تيمناً وتبركاً بالسلسلة الشريفة، فأجازت له -دام فضله- أن يروى عن كل ما جازلى روایته عن مشايخى العظام.

وأسأله أن لا ينساني من الدعوات في أوقات الخلوات ومظان الإجابات كما أتني لا أنساه كذلك، أنا الراجى عفوريه خادم الشريعة مرتضى انصارى.<sup>٢</sup>

٤- ميرزا داود بن اسد الله بروجردي (زنه به سال ١٢٦٠ ق)

فقيه وفرزند علامه ملا اسد الله بروجردي (١٢٧١ ق) وبعيد فی غاید که از پدرش استفاده کرده باشد وی از تلامذه شیخ اعظم مرتضی انصاری بوده و از آن جناب اجازه اجتهد دارد.

از این اجازه نامه بر می آید که وی مدت زیادی با استادش محشور بوده و در سفر و حضرو

١. في غاية الآمال، ص ٣٨٣: ثم ختم بخاتمه الشريف واقفاً على باب بيته وأنا قائم بخدمته مودعاً له حين مسافرتى إلى طهران في ثامن الشهر الثامن من سنة (١٢٧٢) اثنتين وسبعين بعد المائتين والألف.

٢. ميراث حدیث شیعه، ج ٣، ص ٣٧٤-٣٧٧، شرح احوال علمای خاندان شریعتمداری، ص ١٢٦

شب و روز و در سفرهای متعدد به مشاهده مشرفه، در خدمت شیخ اعظم حضور داشته و در مباحثات مشکل علمی با استادش شرکت می‌کرده و شیخ اجتهد او را در این مباحثات آزموده است. این اجازه نامه در زمان حیات پدرش از ناحیه شیخ اعظم صادر شده است. یعنی قبل از سال ۱۲۷۱ق و احتمالاً سال ۱۲۶۰ق یا کمی قبل از آن بوده است. پدرش از استاد شیخ انصاری بوده و آقا بزرگ تهرانی درباره اش می‌نویسد: شیخ انصاری در اجتماعات به گفته وی اعتماد می‌کرده و بسیار اقوال و فتاوی اورانقل و به او اعتماد می‌کرده و در جلالتش همین بس که شیخ انصاری اقرار به رأی او می‌کرده و احکامش مستندش بوده است.<sup>۱</sup>

میرزادادو دارد بنام «القضاء» که شرح استدلالی است بر کتاب القضا شرائع  
الاسلام محقق حلی، که به سال ۱۲۶۰ق نگاشته است و نسخه ای از آن در کتابخانه آیت الله  
مرعشی نجفی نگهداری می شود.<sup>۲</sup>

وی همچنین دارای اجازه اجتهادی از صاحب جواهر و شیخ محمد کاشف الغطاء و بعيد نیست در نزد آن دونیز شاگردی کرده باشد. وی داماد سید رضا فرزند سید بحرالعلوم بوده است.<sup>۳</sup>

اجازه شیخ اعظم مرتضی انصاری لهم به میرزا داود بن اسدالله بروجردی  
بسم الله تبارک و تعالى

الحمد لله الذى اشفع نور الوجود من ظلمة العدم وفضل نبينا ﷺ على سائر الانبياء والامم  
وصلى الله على محمد وآلـه سادات العرب والعمجم وبعد فإنـ جناب العالم العامل والفضلـ  
الكامل فقيه عصره وزمانه ونادرة دهره و اوانيـ العالم الربانـى والفضلـ الذى ليس له ثانـى قرـة  
عيونـنا ولدـنا المحـروس بالـلـه الـودود المـيرزاـود اـطـاب اللـه بـقاـه، نـجـلـ الفـهـامـ العـلامـهـ والـفـاضـلـ  
الفـهـامـهـ يـنـايـعـ المـعـقـولـ وـالـمـنـقـولـ وـحـاوـيـ الفـرـوعـ وـالـاـصـوـلـ قـدـوةـ الـجـهـدـينـ وـعـمـادـ الـاسـلـامـ وـ  
الـمـسـلـمـينـ حـجـةـ الـاسـلـامـ قـبـلـةـ الـاـنـامـ الحاجـ مـلاـ اـسـدـ اللـهـ الـبرـوجـرـدـىـ اـدـامـ اللـهـ عـلـاهـ وـزـادـ فـىـ سـوـدـدـهـ  
وارـتـقـاهـ، قدـ حـضـرـ عـنـدـنـاـ مـعـ جـمـاعـةـ مـنـ الفـضـلـاءـ الـحـصـلـينـ وـقـرـئـ لـدـيـنـاـ مـعـ جـمـلةـ مـنـ الـعـلـمـاءـ الـحـقـقـينـ

١٢٨ الكرام البرة، ج ١، ص

<sup>۲۷۰</sup> فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۴، ص ۲۷۰

٣- اعلام الشيعة، ج ٢، ص ٦١٧، الكرام البررة، ج ٢، ص ٥١٢، المأثرو الآثار، ص ١٧٣، مستدرک الاعیان، ج ٥،  
ص ١٥٠، مکارم الآثار، ج ٦، ص ١٩٥٣، موسوعة مولفی الامامیة، ج ٤، ص ١٧٠، موسوعة طبقات الفقهاء، ج  
١٣، ص ٢٥٩-٢٦٠، تاریخ بروجرد، ج ٢، ص ٣٢٥، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی،  
ج ٤، ص ٢٦٩-٢٧٠

وبقى عندنا برهة من الزمان وحالطنا في خلواتنا ومحالسنا واستئنس معنا في أيامنا وليلينا وسافر معنا من المشهد الغری الى سائر المشاهد المشرفة وباحث معنا في اکثر المسائل المفصلة بحث تدقیق وتحقيق واختبارنا في جملة من مسائل الفروع والاصول فوجدناه بحمد الله من أهل الاستبطاط والاجتہاد ومن ذوى الملکات القدسية والقوى الالھوتیة.

وقد استجازنى دام علاه فأجزت له أن روی عنی جميع ما سمعه مني وما ألقته وصنفته وجميع كتب الاخبار التي عليها المدار في جميع الأعصار الكافی والفقیه والتهذیب والاستبصار وکذا اكتب الحمدین الاخرين من المتقدمین وجميع ما اعترض عليه مرویاً عن الائمة الاطهار ومن الوسائل والوافى والبحار عن المشايخ العظام وشرطوا عليه أن يأخذ طريق الاحتیاط وأن لا تعول إلا على نسخة صحيحة وأن لا يترك الكتابة والتصنیف والبحث والتدريس وان يخالط العلماء الاعلام ويباحث معهم في المسائل الفقهیة والفروع الخفیة ويجدد النظر في المسائل ویواظب على التوافق ولا سیما صلوة اللیل وأن لا ینسانی من الدعاء كما اتی لآنساه انشاء الله حرّه العبد الضعیف المحتاج الى رحمة الله مرتضی انصاری

بیده ویناه « محل مهر»

#### ۵. ملا شکرالله بن لطف الله لواسانی (و ۱۳۱۹ ق)

فقیه و اصولی بزرگ که مقدمات و سطوح رادر اصفهان در نزد سید حسن مدرس و میرزا علی قائی فراگرفت و سپس راهی نجف اشرف گردید و از علمای آن بویژه شیخ مرتضی انصاری بهره برد. وی به تهران بازگشت و یکی از مراجع آن سامان گردید و به تالیف و تدریس و رسیدگی به مراجعات شرعی مردم پرداخت.

وی به قولی در سال ۱۳۱۴ ق و به قولی دیگر در ۱۳۱۹ ق از دنیارفت و در نزدیکی امامزاده حمزه در شاه عبد العظیم حسنی در شهری به خاک سپرده شد.

از آثار او: ۱- فضائل السادات ۲- منتخب الخطوم در ادعیه ۳- جنگ

شیخ انصاری به سال ۱۲۷۵ ق برای اجازه در امور حسیبیه صادر کرده و او را لینگونه ستوده است که: «جناب مستغنى عن الالقاب والصفات آخوند ملا شکرالله ایده الله تعالى فی الدارین»<sup>۱</sup> و اجازه ای است به زبان فارسی در امور حسیبیه.

اجازه شیخ مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ هـ.ق.) به آخوند ملا شکرالله

۱. نقیباء البشر، ج ۲، ص ۸۴۴، اختیان فروزان ری و طهران، ص ۲۰۶، فهرستواره دنا، ج ۲، ص ۴۲۷ و ج ۳، ص

۷۵۹ وج ۱۰۳، ص ۹۹۳، وج ۱۱، ص ۱۰۳، فهرست نسخه های خطی آستان قدس رضوی، ج ۲۷، ص ۴۲

لواسانی (و ۱۳۱۹ق):

«بسم الله، جناب مستغنى عن الالقاب والصفات آخوند ملا شكر الله ايده الله تعالى في الدارين مأذون ومرخص مي باشد در تصرف در جميع امور حسيبه منوط بنظر حاكم شرع انور يا وکيل ايشان به شرط سلوك طريق احتياط وعدم استعمال حيل شرعیه در حقوق وائله الدعاء والاستغفار. لحرر هذه الكلمات احرق العباد مرتضی الانصاری في يوم الأربعين سنة ۱۲۷۵ حامد الله مصليا على محمد وآلله صلی الله علیہم اجمعین» پس ازان مهر مربع ايشان با نقش «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده مرتضی الانصاری»<sup>۱</sup>

۶- میرزا احمد بسطامی:

وی از تلامیذ شیخ انصاری و شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر می باشد و از هر دو دارای اجازه است. امامانمی ازوی و احوالاتش در کتب تراجم و منابعی که تلامذه شیخ رارصد کرده اند، دیده نگی شود. بنظر می رسد این یک اجازه نامه روائی بوده باشد.

وی را کتابی است در اصول فقه که نسخه ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است به شماره ۱/۴۸۱۵، غیر مرتب و مشتمل است بر مباحث اصول فقه و ناقام و ناقص است و شاید بخط خود مؤلف ملا احمد بسطامی بوده باشد.<sup>۲</sup> اجازه صاحب جواهر به او موجود است به سال ۱۲۲۷ق.<sup>۳</sup>

بنظر می رسد این اجازه شیخ، یک اجازه نامه روائی بوده باشد.<sup>۴</sup>

اجازه نامه شیخ مرتضی انصاری به ملا احمد بسطامی:

آغاز: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين.... وبعد فقد استجاثتني الأغر الارشد والاجل الاجد والعالم العامل المعتمد والفضل الكامل المسدد السالك من طرق العلوم ...  
جناب المیرزا احمد وفقه الله ...

اخیام: فی مظان الاجابة، اسئل الله أئ یوقـه لـذلـک وـان یصلـی عـلـی مـحـمـد وـآلـه الطـاهـرـین  
حرـرـهـ الـاـقلـ الـاـحـرـ مـرـتـضـیـ اـنـصـارـیـ فـیـ جـمـادـیـ الـاـولـیـ مـنـ سـنـةـ ۱۲۶۲ـ،ـ حـامـدـ اللهـ مـصـلـیـاـ  
لـرسـوـلـهـ [ـوـآلـهـ]ـ صـلـوـاتـ اللهـ عـلـیـہـمـ اـجـمـعـینـ.<sup>۵</sup>

۱. فهرست نسخه های خطی آستان قدس رضوی، ج ۲۷، ص ۴۲، شماره ض ۷۹۰۶

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۳، ص ۲۲۳

۳. این تاریخ در فهرست کتابخانه مجلس آمده است اما بنظر می رسد اشتباه باشد

۴. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۳، ص ۲۲۴

۵. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۱۳، ص ۲۲۵، شماره ۳/۴۸۱۵ ورق

۷- سید صبغة الله بن جعفر کشفی دارابی بروجردی (۱۲۱۸-۱۲۷۷ ق)

فقیه و مفسر متولد شهر نجف اشرف. وی مقدمات علوم را از پدر علامه اش فراگرفت سپس در علم فقه و اصول از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری بهره برد و از ناحیه هردو موفق به اخذ اجازه اجتہاد گردید. وی به تدریس و تالیف مشغول گردید

کتب فقهی و اعتقادی بسیاری از او صادر گردیده است: از جمله:

۱- مشکاة العباد فی سفينة النجاة لیوم المعاد و عقائد

۲- مفاتیح الكلام فی شرح دررالنظام، که شرحی است بر منظومه فقهیه سید مهدی بحرالعلوم و شامل کتاب طهارت و صلات می باشد

۳- عقائد الاصول فی اوامرالله والرسول، شرحی است بر منظومه پدرش به نام «البلد الامین» در علم کلام که به سال ۱۲۵۰ ق نگاشته است

۴- بصائر الایمان فی تفسیر القرآن که به سال ۱۲۶۰ ق در مشهد نگاشته شده است.

وی در زمان حیات استادش شیخ انصاری در کربلا از دنیارفت و در همانجا دفن گردید.<sup>۱</sup>

اجازه شیخ انصاری به سید صبغة الله بن جعفر کشفی دارابی بروجردی:

سید صبغة الله کشفی اجازه اجتہادی از استادش صاحب جواهر اخذ کرده است. مرحوم شیخ انصاری در ذیل این اجازه اجتہاد مطلق چنین نوشته است:

«جناب المستغنی عن الوصف والألقاب سیدنا المعظم فی المتن حيث انه قد حوى  
الفضائل والفوائل ... فهو مجتهد مطلق».<sup>۲</sup>

۸- شیخ ابوالقاسم عالمی دامغانی (ح ۱۲۹۷-۱۲۱۹ ق)

فقیه و اصولی، فرزند عباس. وی تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند، آنگاه به مشهد رفت و از محضر فضلای آنجا بهره برد. سپس به حوزه علمیه نجف اشرف رفت و از محضر شیخ مرتضی انصاری و شیخ راضی نجفی و مهدی آل کاشف الغطاء بهره برد و از شیخ انصاری

۱. موسوعة مؤلفی الامامیة، ج ۱۹، ص ۲۴۹-۲۵۰، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۸۳، تاریخ بروجرد، ص ۳۱۵-۳۱۷، تراجم الرجال، ج ۱، ص ۴۱۴-۴۱۵، الذریعة، ج ۳، ص ۱۴۴ وج ۸، ص ۱۱۰ وج ۱۳، ص ۲۲۸ وج ۲۱، ص ۵۹، ۳۰۶، ۳۵۰، فهرستواره دنا، ج ۲، ص ۵۰۶ وج ۴، ص ۱۱۲۷ وج ۹، ص ۵۹۹، الکرام البررة، ج ۲، ص ۶۶۶، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۱۸۱-۱۸۲، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۳۱۱-۳۱۲، معجم رجال الفکر والادب فی کربلا، ص ۹۸، معجم رجال الفکر والادب فی النجف، ج ۳، ص ۱۰۷۹

۲. تراجم الرجال، ج ۱، ص ۴۱۵



اجازه اجتہاد گرفت و دو استاد دیگر او به فضل او شهادت دادند. وی در سال ۱۲۴۳ ق به تهران بازگشت و به دستور ناصرالدین شاه و با سمت مدرس رسمی به تدریس در مدرسه سپهسالار مشغول گردید. او بعد از مدتی به دامغان مراجعت کرده و به تدریس واقمه جماعت و رسیدگی به امور شرعی مردم پرداخت.

از آثار اوست: «ضیاء الانوار»، «رساله‌ای در اصول دین»، «حاشیه بر معالم» و «تقریرات»

وی پس از درگذشت دربکرین اعین به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

اجازه شیخ انصاری به شیخ ابوالقاسم دامغانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي تفضل على الأنام بايضاح الأحكام على لسان النبي (ص) وآلـه البرة  
الكرام وجعل مبينـ الحلال والحرام بعد الغيبة، العلماء الأعلام،  
اما بعد مخفـى ثـانـهـ جـنـابـ شـرـيـعـتـ مـدارـ عـلـامـ العـلـاءـ وـعـدـةـ الفـضـلـاءـ حـاوـيـ الفـروعـ وـ  
الـاـصـوـلـ وـلـدـنـاـ الـاعـزـ شـيـخـ اـبـوـ القـاسـمـ دـامـغـانـيـ، وـفـقـهـ اللهـ تـعـالـيـ مـدـتـ مـتـمـادـيـ درـاـشـرـفـ اـمـاـكـنـ وـ  
الـطـفـ مـساـكـنـ بـيـباـحـهـ وـتـدـرـيـسـ وـتـصـنـيـفـ وـتـالـيـفـ اـشـتـفـالـ دـاشـتـهـ وـبـتـوـفـيقـ اللهـ تـعـالـيـ اـزـعـلـمـاءـ  
اعـلـامـ وـفـضـلـاءـ ذـوـيـ العـزـ وـالـاحـترـامـ گـرـدـیدـهـ وـبـزـيـورـتـقوـيـ وـصـلـاحـ آـرـاستـهـ وـدـرـایـنـ صـورـتـ  
تـوقـیرـ وـاحـترـامـ اـیـشـانـ وـاجـبـ وـحـمـایـتـ وـاعـتـقـادـ درـتـروـیـجـ دـینـ مـبـینـ وـاجـرـایـ اوـمـرـونـواـهـیـ شـرـعـیـهـ  
لـازـمـ وـبـجـمـیـعـ اـنـوـاعـ اـکـرامـ وـتـایـیدـ وـانـخـاءـ تـروـیـجـ وـاـهـتمـامـ درـبـابـ تـوجـیـهـ اـسـبـابـ بـثـ مـسـائـلـ شـرـعـیـهـ  
وـاحـکـامـ دـینـیـهـ اـهـلـیـتـ وـاسـتـحقـاقـ دـارـنـدـ ذـلـکـ منـ فـضـلـ اللـهـ وـالـفـضـلـ بـیدـ اللـهـ وـکـفـیـ بـالـلـهـ شـهـیدـاـ.

مهر شریف شیخ مرتضی انصاری<sup>۲</sup>

۹- شیخ احمد بن محسن فیضی کاشانی (۱۲۸۶ ق)

فقیه و مجتهد بزرگ و ازنوادگان ملا محسن فیض کاشانی. در کاشان متولد گردید و مقدمات علوم را در آن شهر گذرانید سپس راهی نجف اشرف گردید و از شیخ محمد حسن نجفی صاحب

۱. موسوعة مولفی الامامية، ج ۱، ص ۵۷۳، اثر آفرینان ۹/۳، معجم الفکر والأدب فی النجف، ج ۲، ص ۵۱۱، گجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۱۱۳، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۷۸، معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۹۹، نقیاء البشری، ج ۱، ص ۵۶، الذریعة، ج ۶، ص ۱۵ و ۲۰۴، دانشمندان و مشاهیر و مفاخر دامغان ج ۲، ص ۵۹۸-۵۹۹

۲. متن اجازه درسایت دامغان نامه آمده است. آقا بزرگ تهرانی در نقیاء البشری، ج ۱، ص ۵۶، فقط دو سطر از آن را ذکر کرده است.

جواهر و شیخ مرتضی انصاری استفاده کرد و از هر دو موفق به اخذ اجازه گردید. وی از اجلاء تلامذه شیخ انصاری است. همچنین از شیخ محمد بن قاسم نجفی و شیخ زین العابدین مازندرانی و سید محمد حسین کاشانی کلهری موفق به اخذ اجازه اجتہاد گردید. وی در نجف اشرف از دنیا رفت.

از آثار اوی: تقریرات دروس فقه و اصول دو استادش صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری، و همچنین حاشیه تحفه الزائر علامه مجلسی و الفوائد می باشد.<sup>۱</sup>

اجازه شیخ انصاری به شیخ احمد فیضی کاشانی:

متن اجازه نامه شیخ انصاری به وی در پشت یکی از تقریرات دروس استادش به خط شیخ موجود بوده است

شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره این اجازه نامه می نویسد:

«رسالة في اجازة الشیخ الانصاری المرتضی بن محمد امین دزفولی التسترنی المتوفی (۱۲۸۱) لتلمیذه المیرزا احمد بن المیرزا محسن الفیضی الكاشانی المتوفی بالنجف (۱۲۸۶) كما یظهر التاریخ من خط صهر المجاز علی بتته، وهو المولی محمد علی المخوانساري، فانه أدى دیون المجاز فی هذا التاریخ. ذکر فیها روایته عن المولی احمد عن والده المولی مهدی والسيد بحرالعلوم کلاهما عن الشیخ یوسف عن آقا رفیع الجیلانی عن العلامة مجلسی. توجد بخط الشیخ الانصاری فی ظهر تقریرات المجاز لدرس شیخه عند (التقوی) <sup>۲</sup> تاریخها (ج ۱-۲۶۲).»<sup>۳</sup>

۱۰- میرزا محمد تقی بن محمد باقر بن علی الشریف مهریجردی یزدی (۱۲۲۷-۱۳۰۷ ق)

فقیه و اصولی برجسته وی متولد یزد بوده و در همانجا رشد یافته است و سپس به نجف اشرف و کربلا مهاجرت کرده و در نزد سید علی طباطبائی صاحب ریاض و شیخ مرتضی انصاری و میرزا محمد علی بن صالح یزدی کسب فیض نمود. وی از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر به سال ۱۲۵۹ ق و شیخ علی اصغر حائری یزدی به سال ۱۲۵۹ ق و ملا علی اکبر یزدی به سال ۱۲۶۲ ق و شیخ محسن خنفر و شیخ نوح نجفی و ملا حسین علی تویسرکانی در اصفهان به سال ۱۲۶۸ ق و ملا محمد صالح برغانی قزوینی به سال ۱۲۶۸ ق و

۱. اعيان الشیعة، ج ۳، ص ۶۷، ۷۲ و الذریعة ج ۴، ص ۳۶۹ و ج ۱۱، ص ۳۱۹، ۵۶ و ج ۲۶، ص ۲۶، الذریعة ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۶، مقدمه معادن الحکمة، ج ۱، ص ۶۵، زندگانی شیخ انصاری، ص ۲۲۹، ۲۲۲-۲۲۱، موسوعة مولفی الامامية، ج ۴، ص ۳۰۵-۳۰۶، فهرستواره دنا، ۱۱، ص ۸۷۶.

۲. شیخ نصرالله تقوی در تهران

۳. الذریعة، ج ۱۱، ص ۲۶

محمد جعفر اردوبادی به سال ۱۲۶۸ ق در اصفهان و سید صدرالدین صدر عاملی به سال ۱۲۹۳ ق و سید جعفر بن صدرالدین عاملی به سال ۱۲۹۳ ق و میرزا محمد باقر چهارسوسقی اصفهانی به سال ۱۲۹۳ ق و میرزا محمد هاشم چهارسوسقی به سال ۱۲۹۳ ق اجازه دریافت کرده و به تعدادی از علماء اجازه روایت مدججه داده است، از جمله میرزا محمد هاشم چهارسوسقی و فرزندانش و فرزندان برادرش و سید جعفر بن صدرالدین عاملی.

از آثار اوی: حجیۃ الخبر الواحد، الفوائد الرجالیة، التقریرات الاصولیة الفقهیة که شاید تقریر بعضی از اساتیدش باشد و کتاب «مجموعۃ الہدایۃ» که درسه بخش اصول دین و فروع دین که منطبق بر فتاوی شیخ انصاری است و معاصری صغیره و کبیره می باشد این کتاب به سال ۱۲۷۷ ق دریزد به چاپ رسید.

وی دریزد از دنیا رفت و در مقبره غربی مسجد امیر چخماق دفن گردید.<sup>۱</sup>

وی مصاحب زیادی با استادش شیخ انصاری داشته است. اجازه نامه استادش به وی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و در آن می نویسد: «به من شیخ مرتضی انصاری دزفولی شوشتری در نیمه روز یکشنبه ۵ ج ۱۲۵۹/۱ درخانه خود در نجف اجازه روایت از استادان خود داده است».<sup>۲</sup>

این اجازه را می توان قدیمی ترین اجازه نامه موجود از شیخ انصاری دانست.

## بعضی

۱. تراجم الرجال، ج ۲، ص ۶۳۲-۶۳۴؛ الکرام البرة، ج ۱، ص ۲۱۰؛ مزداران فقاہت، ص ۲۱۷-۲۱۸؛ مفاخر یزد، ج ۲، ص ۸۸۵-۸۸۶؛ الذریعة ج ۲، ص ۱۸۵ و ج ۱۷، ص ۲۵۸ و ج ۲۰، ص ۱۰۹؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۲۰۷؛ النجوم المسعد، ص ۴۸؛ معجم التراث الكلامي، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۴۳. ۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۶ ص ۳۷۵.

سید ملک احمد

اجازهٔ شیخ انصاری به آیت‌الله شیخ محمد باقر نجفی

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جَنَابُ الْمُعْنَى عَرَالِيَّا وَلِضَفَا

اَخْرَى مَلَائِكَةِ الْمَدِينَةِ الْمَكَانِ  
مَادِيَ وَرَحْصَمَهَا شَدَدَ رَصَدَ  
دَرَجَمَ اَمْوَارَ حَسَدَهُ طَرَاطِحَ حَكَمَ  
شَرِحَ اَنْوَرَ مَا وَكَلَ اَثَارَ بَرَطَنَهُ  
طَرَنَ اَحْتَاطَ وَعَدَمَ اَسْهَمَ حَنَلَ سَرَعَ  
دَرَهَمَوَفَ مَاسِلَهَ الدَّعَاءِ وَالْاِسْتِغْفارَ  
لَحْرَهَنَ الْكَلَامَ اَحْرَقَهَنَهُ اَصْنَاعَهَنَ الْاِلْعَانَ  
وَ لَسْكَلَ حَانَمَاسِلَهَنَهُ بَعْلَهَنَهُ اَلْعَسْرَ

اجازة شیخ انصاری به ملا شکرالله برای تصرف در امور حسینیه

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْجَلِيلِ الْعَالِيِّ الْمُطَهَّرِ الْمُطَهَّرِ  
كَفَى بِهِ شَهَادَةً وَلَفْتَةً لِلَّهِ عَلَى أَعْدَاءِ الْقَوْمِ مَا لَدُنْ  
وَالْأَزْلَى إِنَّمَا يَعْصِيَنَا حَنَافٌ وَلَهُنَا الظَّالِمُونَ الْمُغَافِلُونَ  
الْمُهَاجِرُونَ بِهِنَّا الْمُعْتَذِرُونَ الْمُقْتَنِسُونَ سَامِ الْعَذَابَ الْمُغَازِلُونَ  
وَعِنْهُ الْأَهْلُ الْمُطَاهِلُونَ فِي الْقُسْبَةِ الْمُغَسِّبُونَ الْمُرْهِبُونَ  
وَالْفَقِيرُ الْمَكْرُورُ الْمُكْرَرُونَ الْمُنْتَهَى بِهِنَّا نَبَاطُ الْأَطْعَمَ الْمُغَيَّبُونَ  
الْمُرْجِعُونَ الْمُخْلَصُونَ لَهُنَا السَّهْلَةُ الْمُرْعَى الْمُغَنِّمَةُ الْمُضَيِّعُ الْمُكَبِّرُونَ  
هَنَاءُ الشَّجَاعَةِ عَلَى مَا فَضَلَّ بَلْ الْأَمَانُ الْمُعَذَّبَةُ الْمُعَنِّيُّ الْمُجَاجُ  
لَهُنَّا حِمْرٌ قَبَرُوا لِلْأَزْلَى كَمُلْتَقِعُنَا وَصَفَرُونَ رَسَانَةُ  
ثَرَازِيَانَ تَجْلِيَاتُهُمُ الْمُلَامُ الْمُعَذَّلُونَ الْمُغَلَّمُونَ  
لَهُنَّا لَهُنَّا لَهُنَّا الْمُرْجِعُونَ الْمُرْجِعُونَ الْمُنْتَهَى بِهِنَّا فَارِدُونَ  
إِنْ يَجْزِيَنَّهُنَّا وَنَزِلُوكَ الْمُسْلِمَةُ الْمُشَفَّهَةُ فَاجْرِيَتْ لَهُنَّا وَنَزِلَ  
إِنْ يَجْزِيَنَّهُنَّا وَنَزِلُوكَ الْمُجَازَفَةُ الْمُسْلِمَةُ فَتَلَقَّيَنَّ الْعَذَابَ وَسَلَمَهُمْ لَهُنَّا فَانِي  
مَا الْمُؤْمِنُ بِأَوْنَاتِ الْمُؤْمِنِ وَمَظَانُ الْإِحْمَانِيُّ لَهُنَّا لَهُنَّا بِكُلِّ  
الْأَمْرِ عَنْ فَرِيقَتِهِ الْأَعْلَى  
خَاتَمُ الْرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

